



هری پاتر و قدسان مرگ

فصل (سوم)

آواداکداورا

کیلومتر ها دورتر عده ای داشتند بدن هری رو دفن می کردند. اعضای محفل و خانواده ویزلی و هرمیون آنجا بودند. اما جینی در بین آنها حاضر نبود. هرمیون با صدایی گرفته به رون گفت:

حالا می خوای چه کار کنیم، ما که بدون هری نمیتونیم هورکراکس ها رو نابود کنیم!
رون گفت: بی خیال خواهرم. ما کارهای واجب تر دیگری هم داریم.

در همان حال گوشی رون زنگ زد!

زنگ (.... بابایی... گوشی رو بردار... بابایی)

هرمیون گفت: بردار دیگه ، بچه مرد از بس صدات کرد!

رون در جواب گفت: ولش کن ، یارو طلبکاره. من هم پول ندارم که بهش بدم.

زنگ (بابایی... گوشی رو بردار ... اوی مردیکه مگه نمی گم گوشی رو بردار!

رون با تعجب به موبایل نگاه و گفت: امان از دست این ایرانس... چه کارها که نمیکنه.

یهو یک صدای بلندی اومد و فرد و جرج در کنارشون ظاهر شدند.

فرد گفت: به به ، دو زوج خوشبخت

جرج گفت: هری رو کشتی رون که نتونه با هرمیون ازدواج کنه؟

رون گفت: خداوندا، خودت میدونی که من جزراه تو راه دیگه ای نرفتم.

جرج فریاد زد: حاجی ، بپا خطا نکنی... هاهاهها

رون خیلی سریع چوب دستیشو بیرون آورد و گرفت تو صورت جرج و گفت:

آواداکداورا!!!

جرج مرد. بقیه به سمت آنها برگشتند. هیچ کس نمیتونست حرف بزنه.

هرمیون با جیغ پرید تو آغوش خانوم ویزلی و زارزار گریه کرد.

یهو خانوم ویزلی گفت: گمشو دختره کثیف ، اگه تو نبودی هیچ وقت هری نمیمرد و رون به خاطر تو جرج

رو نمی کشت. لیاقت تو جز مرگ چیز دیگه ای نیست.

هرمیون داد زد: آقای ویزلی من خیلی چیزها در مورد زنت میدونم که اگه بشنوی حتما می کشیش!

خانوم ویزلی داد زد: خفه شو... آواداکداورا

هرمیون سریع جاخالی داد : پروتگو

خانوم ویزلی هم مثل هرمیون خیلی ماهرانه جاخالی داد و وردشو فرستاد به طرف هرمیون

آواداکداورا

ورد با فاصله کمی از بغل گوش هرمیون رد شد و به رون خورد. رون با صدای بلندی افتاد روی زمین.

خانوم ویزلی و آقای ویزلی به سرعت رفتند بالای سر رون ، اما رون مرده بود.

خانوم ویزلی گفت: همش تقصیر من بود ، اگه من این کار رو نمی کردم الان رون زده بود. و با یک حرکت

سریع چوب دست خودشو گرفت روی سرش و گفت: آواداکداورا

و بعد مرد. آقای ویزلی با گلوی بغض کرده گفت: الفاتحه...! برای شادی روح این عزیزان ۱ دقیقه سکوت

میکنیم.

فرد گفت: و همینطور برای اینکه خداوند روح مرحوم حاج سید رون ویزلی رو بیامرزد دعا کنیم.

این مطالب برای مسخره کردن دیم اسلام نیست ، بلکه برای اعتراض به شبکه ۲ می باشد.

کاری از وبلاگ: HPRole.Blogfa.Com